



بانوی نویسنده برگزیده جشنواره بین‌المللی داستان مقاومت لبنان در گفت‌وگو با سپهر غرب مطرح کرد:

رساندن پیام مقاومت شهدا در جنگ تحمیلی به مردم دنیا

تاکتون بیش از ۱۰۰ داستان به زبان عربی نوشته‌ام

داستان به لبنان رفته بودم. شب عاشورا مانند همه مردم بیروت برای شرکت در مراسم سخنرانی سید حسن نصرالله رفتم. در قسمت یازسی از آنجایی که لبنانی نبودم گذرنامه خود را به مسوول آنجا نشان دادم. برایم عجیب بود که آن خانم که مسوول تفتیش بود من را شناخت، بغلم کرد و بوسید...

بالبکنه زبان اصلی من فارسی است اما ظاهراً با داستان‌های عربی شناخته‌شده‌تر هستم. هنوز حسّی شبیه به گچی دارم، مثل بودن در میان ابرها! کسانی که با داستان‌نویسی آشنا هستند، می‌دانند نوشتن به زبان غیر مادری که نویسنده به‌صورت کامل با بعضی از زیرساخت‌های زبان آشنا نیست کار سختی است و من شک ندارم که وارد شدن به این وادی با اجازه شهید بودم. من می‌خواستم کاری انجام دهم و آن‌ها نیز علم را به دستم دادند و گفتند بسم‌الله...

پس به نظر می‌رسد بازتاب و واکنش‌های مردم کشورهای عربی به آثار



دوست داشتم در مورد دفاعی که در هشت سال جنگ تحمیلی در ایران داشتیم با مردم دنیا حرف بزنم، چراکه می‌دانستم به علت اختلاف زبانی ما با قسمت بزرگی از جهان اسلام، بسیاری از حرف‌های ما در این زمینه تاکنون شنیده نشده‌است.

وقتی به سایت‌های عربی جریان‌ها و گروه‌هایی که دوستدار ایران و انقلاب اسلامی هستند نگاه می‌کردم برایم عجیب بود که حتی دوستان ما هم چیز زیادی از قصه ایثار، شهامت و صبر ملت ایران

در جنگ تحمیلی نمی‌دانند و شاید دانسته‌های آن‌ها منحصر در یک سری کلیات بود که نمی‌توان نام آن را آشنایی گذاشت.

پس همین بهانه‌ای شد برای نوشتن قصه‌هایی از جنگ، به زبان عربی، اگرچه در آغاز این کار، بسیار مبتدی بودم. نوشتن مستقیم به زبان عربی کار ساده‌ای نیست اما لطف خدا شامل حالم شد

و تقریباً موفق بودم! راستش را بخواهید هنوز هم باورم نمی‌شود که توانستم قصه‌های شهدای ایران و پیام مظلومیت و مقاومت آن‌ها را به بسیاری از کشورها و مردم آزاده‌های جهان برسانم.

بسیار خوب، لطفاً از کارنامه کاری خود برایمان بگویید.

من چند کتاب در حوزه مقاومت به رشته تحریر درآوردم، در حال حاضر اولویت کاری من پرداختن به داستان کوتاه مقاومت به زبان عربی است، زیرا در این حوزه به‌شدت احساس خلأ می‌کنم. تاکنون بیش از ۱۰۰ داستان به زبان عربی نوشتم که بیشتر آن‌ها در بیروت پرس لبنان و مجله بقیه‌الله چاپ و منتشرشده‌اند.

در نوشتن از چه کسی متأثر بوده‌اید؟ در جواب این سؤال همیشه و در همه‌جا گفتمام من شاگرد خانم بهناز ضرابی‌زاده هستم. زمانی در همدان پنج‌شنبه هر هفته، انجمن کوچکی در بنیاد حفظ آثار همدان تشکیل می‌شد و شاید کمتر کسی باور می‌کرد کسانی که در این انجمن هستند به‌زودی جزء بهترین نویسنده‌های مقاومت در ایران باشند. من در این دوره بود که با الفیای نوشتن آشنا شدم و بافتخار خودم را شاگرد خانم ضرابی‌زاده می‌دانم.

فکر می‌کردید به این نقطه یعنی قرار گرفتن در زمره «بهترین نویسنندگان مقاومت در ایران» برسید؟

اصلاً هنوز هم باورم نمی‌شود. برای جشنواره

سپهر غرب، گروه فرهنگی - سمیرا گمار: بانوی نویسنده همدانی گفت: دوست داشتم در مورد دفاعی که در هشت سال جنگ تحمیلی در ایران داشتیم با مردم دنیا حرف بزنم، می‌دانستم به علت اختلاف زبانی ما با قسمت بزرگی از جهان اسلام، بسیاری از حرف‌های ما در این زمینه تاکنون شنیده نشده‌است.

فرق آنکه می‌ماند و می‌رود در «واقعیت» داشتن است؛ اینکه نیازی درونی تو را به نوشتن وادار کرده و این نیاز مابه‌ازای خارجی هم داشته باشد و آنگاه عده‌ای هم‌زبان و همدل باشند تا با تو درد مشترکی را احساس کنند.

نگاهی به زندگسی ادبی رقیه کریمی بانوی نویسنده همدانی نشان می‌دهد که او با تمام خصیصه‌هایی که یک نویسنده به‌مثابه خالق متن باید داشته باشد، شأنی فراتر از نویسندگی دارد و آن «گاهی‌بخشی» و «دردمندی» در حوزه‌ای است که می‌نویسد.

رقیه کریمی، رقیه کریمی است! نسخه اصلی خودش؛ خصیصه او رسالت قاتل شدن برای قلم است تا جایی که این حس، او را به معرکه روایت مقاومت و شهامت مردان این سرزمین به خارج از مرزهای کشور می‌برد و البته به همین‌جا ختم نشده و فراتر از آن به روایت قصه شهدای کشورهای دیگر می‌پردازد.

موفقیت‌های کریمی دلیل اصلی مصاحبه من با وی نبود، بلکه نوع کار او یعنی پرداختن به «داستان کوتاه مقاومت» در این مقطع زمانی نقطه عطف توجه من بود تا میزان وی در یک گفت‌وگو ی‌چرند کوتاه اما صمیمانه باشم، آنچه در ادامه می‌خوانید بخش‌هایی از این گپ‌وگفت است که با شما به اشتراک گذاشته خواهد شد:

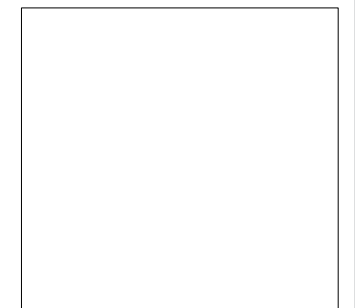
لطفاً به‌عنوان نخستین سؤال خودتان را معرفی کنید؟

با سلام و احترام؛ ممنون از توجه شما به حوزه داستان کوتاه مقاومت. بنده رقیه کریمی هستم، کارشناس ارشد مترجمی زبان عربی از دانشگاه بوعلی سینا که به دو زبان فارسی و عربی در حوزه مقاومت داستان کوتاه می‌نویسم.

نوشتن به زبان عربی به دلیل رشته تحصیلی شما بود یا علاقه هم نقش داشت؟ رشته تحصیلی من در دانشگاه زبان عرب بود و

به دلیل اشکال آیین‌نامه‌ای؛

جایزه جلال یکی از نامزدهای بخش داستان کوتاه را کنار گذاشت



سپهر غرب، گروه فرهنگی: دبیر خانه جایزه جلال آل‌احمد به دلیل آنچه «اشکال آیین‌نامه‌ای» خوانند از کنار گذاشتن مجموعه داستان «ماندن» نوشته مرتضی فرجی (چاپ انتشارات سوره مهر) از میان نامزدهای این بخش خبر داد. یکی از آثار راه‌افته به دور نهایی انتخاب بهترین مجموعه داستان کوتاه در یازدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد به دلیل داشتن اشکال آیین‌نامه‌ای با اعلام دبیرخانه و تأیید هیئت داوران از فهرست نامزدهای این دوره کنار گذاشته شد.

بر اساس اعلام دبیرخانه یازدهمین جایزه ادبی جلال‌آل‌احمد، مجموعه داستان «ماندن» نوشته مرتضی فرجی باوجود راه‌یافتن به جمع پنج نامزد نهایی این جایزه ادبی پس از بررسی دبیرخانه در زمینه برخی اشکالات مطرح شده در مورد این اثر، فاقد شرایط حضور در ارزیابی‌ها تشخیص داده و از روند داوری حذف شد.

دبیرخانه این جایزه پس از امضای صورت‌جلسه نهایی از سوی داوران و ابلاغ موضوع به نویسندگان این اثر اعلام کرد؛ با بروز این رخداد، بخش داستان کوتاه یازدهمین دوره جایزه ادبی جلال‌آل‌احمد نشست خود را برای انتخاب نهایی، با چهار مجموعه داستان برگزار کرده و برنده نهایی این بخش را از میان چهار اثر انتخاب خواهد کرد.

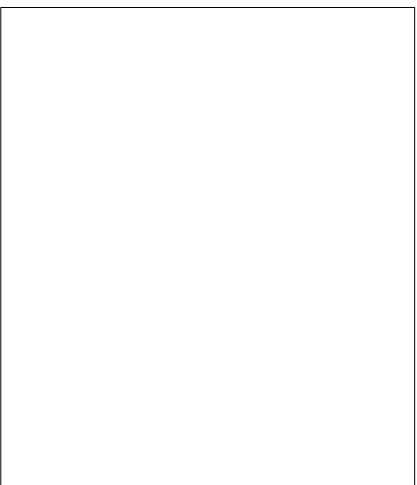


خبر

رضا اسماعیلی با اشاره به مرگ «زرویی» مطرح کرد:

پیشنهاد یک شاعر برای حمایت عزتمندانه از هنرمندان

پیام تسلیت چه فایده‌ای دارد؟



سپهر غرب، گروه فرهنگی: رضا اسماعیلی، شاعر و پژوهشگر، گفت: حمایت مستمر و محترمانه است که به کار هنرمند می‌آید، او را رها کنیم تا در کنج عزلت به رحمت خدا برود و بعد برای او بزرگداشت بگیریم یا پیام تسلیت بدھیم چه فایده‌ای دارد؟

اسماعیلی که این روزها مشغول داوری آثار چهارمین جشنواره ملی هنرمندان شاهد و ایثارگر است، تمرکز جشنواره‌ها بر موضوعات خاصی را عامل پیشرفت آثار و اشعار دانست.

وی در تشریح این موضوع، عنوان کرد: ممکن است عده‌ای معتقد باشند که ارائه مضمون باعث تولید آثار سفارشی بی‌ارزش می‌شود، اما من معتقدم اگر مضمون به افرادی ارائه شود که اهلیت هنری و ادبی لازم را برای خلق آن اثر دارند منجر به تولید اثری فاخر و پیشرو می‌شود. به‌طور مثال در فضای هنرهای تصویری شاید ندانید، اما سریال ماندگار «معله ربویا» که جزء آثار ماندگار دهم ۶۰ تلویزیون بود و به سفارش وزارت بهداشت تولید شد چون به لحاظ هنری سطح بالایی داشت موردتوجه مردم قرار گرفت.

این پژوهشگر و استاد دانشگاه درباره تأثیر فضای مجازی در حوزه شعر و ادب، بیان کرد: نفوذ گسترده فضای مجازی در میان مردم محسّنات و معایبی داشته‌است. به‌طور مثال اگر چند سال قبل قرار بود کسی در حوزه ادبیات و شعر شناخته شود، باید مکرر تلاش می‌کرد تا بتواند اثری تولید کند که با سلیقه یک ناشر منطق باشد و اجازه انتشار بیابد. این اتفاق، راه را برای اخلاقت تا حدودی سد می‌کرد.

اسماعیلی با بیان اینکه فضای مجازی این امکان را می‌دهد که من شاعر شعر جدید را در صفحه اجتماعی‌ام قرار دهم و این امکان را داشته باشم که شعرم در میان مردم دیده شود و بازخورد بگیرد، ادامه داد: این اتفاق اجازه تولید آثار کم کیفیت و بی‌مایه در فضاهای اجتماعی به چشم آید اعتمادبه‌نفس و غرور کاذبی به صاحبان آن‌ها دست دهد که این حتماً رخداد مبارکی برای ادبیات نیست. درواقع فضای مجازی شمشیر دو لبه‌ای بوده که مزایا و معایب مختلفی بر آن مترتب است.

این استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبی درباره مرحوم ابوالفضل زرویی نصرآباد، اذعان کرد: مشکل اصلی ما در حوزه فرهنگ، فقدان یک سامانه فرهنگی هوشمند است که به‌طور مستمر و منظم پیگیر فعالیت‌ها و احوال چهره‌های شناخته‌شده ادبیات باشند. از این گذر این حمایت‌های گاهوبیگاه از سوی نهادها که به‌طور نامنظم و غیرمتمرکز انجام و حتی گاهی منجر به بی‌حرمتی به چهره‌های پیشکسوت می‌شود.

وی در ادامه اظهار کرد: به‌طور مثال تصور کنید چهره بزرگ و فرهیخته‌ای را که سال‌ها برای ادبیات زحمت کشیده و حالا درگیر هزینه‌های هنگفت درمانی شده و برخی با نیت خیر و برای کمک به او میلی را داخل پاکت می‌گذارند و به او تقدیم می‌کنند. خب این اتفاق برای بسیاری ناخوشایند است و به غرور کسی که پیشکسوت یک عرصه بوده برمی‌خورد. من یادم هست مرحوم قیصر امین‌پور هیچ‌گاه از شکست شخصی‌اش حرفی به میان آید و حتی اگر هدیه‌ای به او داده می‌شد آن را هم از سر عزت‌نفس پس می‌داد.

اسماعیلی در مقام ارائه راهکار با بیان اینکه نهادهای متولی فرهنگ می‌توانند با راهایی شایسته‌تر و مناسب‌تر با این موضوع برخورد کنند، تصریح کرد: به‌عنوان نمونه مرحوم زرویی نصرآباد مدتی پیش از فوت غریبانه‌اش به ذوق و انتخاب یکی از مسوولان، دوره کوتاه آموزش پژوهشی برگزار کرد که البته تأکید می‌کنم این کارگاه آموزشی با ذوق و رابطه دیرینه آن مسوول با مرحوم زرویی شکل گرفت، نه آنکه مولود تصمیم یک سامانه هوشمند فرهنگی بوده باشد. ما می‌توانیم برای آنکه حمایت شایسته و دائم نظام‌مند از چهره‌های شناخته‌شده و بزرگان عرصه ادبیات و شعر داشته باشیم با بودجه‌های کلانی که در اختیار نهادهای مختلف است کارگاه‌های آموزشی مستمر، امور پژوهشی جدید و اتفاقاتی ازاین‌دست را پیش‌بینی کنیم.

این شاعر با طرح این سؤال که «چه اشکالی دارد یک نویسنده یا شاعر نیز مانند یک کارگردان برای تولید یک اثر برای پیش از آغاز کار، قرارداد ببندد و میلی را دریافت کند؟»، گفت: اگر این نگاه در فضای ادبیات شکل می‌گرفت شاهد مشکلات متعدد اهالی شعر و ادب در فضای زندگی شخصی خود نمی‌بودیم. این حمایت، نامحسوس است و عزت و احترام افراد نیز با آن رعایت می‌شود و از سویی تولید اثر با تربیت نیرو نیز انجام می‌شود. این موضوع باید برای مدیران فرهنگ ما جا بیفتد، دوره موضوع قیبح نیست به‌هرحال لازمه زندگی، تأمین معیشت است و این با اخلاص تناقضی ندارد.

اسماعیلی در پایان بیان کرد: این حمایت مستمر و بااحترام است که به کار هنرمند می‌آید. او را رها کنیم تا در کنج عزلت به رحمت خدا برود و بعد برای او بزرگداشت بگیریم یا پیام تسلیت بدھیم چه فایده‌ای دارد؟ اتفاقی که بارها و بارها در فضای ادبیات افتاده و جدیدترینش فوت غریبانه مرحوم زرویی نصرآباد بود.

ویژگی‌های یک قلم خوب چیست؟ پاسخ به این سؤال بستگی به نوع نگاه ما به نوشتن دارد، بعضی افراد صرفاً قلم زیبا را کافی می‌دانند. برخی نیز قاتل به ارجحیت محتوا هستند. قلم خوب برای من که در حوزه داستان مقاومت کار می‌کنم قلمی است که ضمن داشتن محتوای قوی دارای توانایی‌های نوشتاری نیز باشد؛ متأسفانه در حوزه دفاع مقدس و مقاومت شاهد این هستیم که برخی افراد بدون داشتن توانایی در نوشتن به خاطر احساس تکلیف وارد این عرصه می‌شوند! احساس تکلیفی که بزرگ‌ترین آسیب را به ادبیات دفاع مقدس زده و منتج به خلق آثار ضعیف شده‌است. این امر قطعاً از کیفیت ادبیات مقاومت کم می‌کند، برای همین من همیشه صراحتاً به دوستانی که احساس می‌کنم خداوند استعدادشان را در نوشتن قرار نداده، می‌گویم بهتر است وارد این حوزه نشده و اجازه دهند ادبیات مقاومت توسط افراد ماهر و دغدغه‌مند این عرصه قد کشیده و تبار و شود.

به نظر شما مشکل پیش روی اصحاب قلم در حال حاضر چیست؟ مشکلات این بخش نیز به نسبت نگاه و سبک هرکسی متفاوت است. نوشتن برای عده‌ای وسیله‌ای برای تأمین معاش بوده که برای چنین افرادی نوشتن با مشکلات بسیاری همراه است، فکر می‌کنم در چهارمقاله نظامی‌عروضی آمده که کاتبی مشغول نوشتن یک فرمان حکومتی بود و همان هنگام حکمتارک گفت: آرد تمام شد، کاتب هم وسط نامه حکومتی نوشت آرد تمام شد! این نشانه جدی بودن معاش نویسنده‌هاست. البته نوشتن برای من با توجه به اینکه شاعلم هستم معاش نیست و به همین دلیل دستم برای انتخاب کاری که علاقه دارم کاملاً باز است؛ اما معاش موضوع بسیار مهمی بوده که باید از طرف مسوولان جدی گرفته شود. البته مشکلات دیگری نیز وجود دارد که صحبت در مورد آن‌ها قطعاً به درازا خواهد کشید.

با این عبارات یاد چه چیزی می‌افتید؟

لبنان؟ هم‌زستی مسالمت‌آمیز عباد متونی ستون مقاومت شهدای بی‌سر؟ تمام زنده‌بودن یعنی مقاومتی باشکوه و رقیه کریمی؟ راهی طولانی برای رفتن

ممنون از وقتی‌که در اختیار این رسانه قرار دادید؛ به‌عنوان کلام پایانی اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

برخی از دوست‌های من از عدم‌حمایت نهاده‌ا و ارگان‌های متولی از نویسندگان و دیده نشدنشان گلایه‌مندند البته بنده نیز تا حدی به آن‌ها حق می‌دهم، اما به نظر من نویسندگان تا جایی که می‌توانند نباید منتظر نهاد یا ارگان خاصی برای انجام کار باشند، اگر به این نتیجه رسیدند که در این مقطع باید کاری انجام دهند که توانایی آن را دارند بسامانه گفته و شروع کنند. رقیه کریمی اگر می‌خواست منتظر نهادها شود که آن‌ها به این نتیجه برسند پیام شهدا به زبان عربی به گوش مردم دنیا برسد تا الآن هم باید منتظر می‌ماند!

دوستان اگر من ترجمه‌های خوب؛ بسامانه بگویید و آغاز کنید، به‌ویژه اینکه اخیراً نیز معظم رهبری (دامت بر کاته) در حوزه دفاع مقدس سخنانش در موضوع ترجمه اشاره کردند؛ مطمئن باشید کار خوب شاید کمی دیر، اما بالاخره یک روز خودش را نشان خواهد داد.

خالی در مقابل تمام دنیا ایستاد و عزیزترین فرزندان‌ش برای حفظ این آب‌وخاک به زمین افتادند. کاش به تمام زبان‌های زنده دنیا مسلط بودم تا وجدان تمام بشریت را صدا می‌کردم...

در حال حاضر مشغول نوشتن خاطرات یکی از جانبازان مدافع حرم به زبان فارسی و دو مجموعه داستان به زبان عربی هستم که هر مجموعه شامل ۳۰ داستان است. یک مجموعه نیز در مورد شهدای دفاع مقدس ایران و یک مجموعه در رابطه با شهدای دفاع از حرم مقاومت اسلامی لبنان که البته پیگیری چاپ این دو اثر را در لبنان دنبال می‌کنم.

افق پیش روی رقیه کریمی چیست و دوست دارد به کجا برسد؟ من همیشه به دوستانی که تا حدودی با زبان عربی آشنا هستند این را می‌گویم که هزاران

چند سال پیش داستانی در مورد اسرا به زبان عربی نوشته بودم که در فضای مجازی منتشر شد. یک جوان اردنی برای من نامه‌ای نوشت با این مضمون که آنچه نوشته‌اید واقعیت دارد یا فقط قصه است؟ من گفتم این فقط یک قسمت کوچک از واقعیتی است که در جنگ بر جوانان ما گذشته؛ واکنش این جوان برای من جالب بود چراکه در پاسخ نوشت «ما و پدرانمان را به خاطر تمام بدی‌هایی که در حق شما کرده‌ایم ببخشید. می‌دانم بخشیدن ما را سخت است، اما شما پیروان مکتب اهل‌بیت (ع) هستید و شاید بتوانید ما را ببخشید.» واکنش‌های این چنینی باعث شد تلاش من برای رساندن پیام شهدا به خارج از کشور بیش‌ازپیش شود. همواره این حسرت با من است که کاش به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و تمام زبان‌های زنده دنیا مسلط بودم و تمام مردم دنیا می‌نوشتم که ملت ما در هشت سال جنگ ناجوانمردانه چطور با دستانی خالی در مقابل تمام دنیا ایستاد.

شما جدی است؟! استقبال از داستان‌های عربی من در بین شیعیان عرب‌زبان برای خودم بسیار عجیب بود! اوایل می‌ترسیدم که چون عربی زبان مادری من نیست اشتباه بنویسم و به من بخندند! البته الآن که به نوشته‌های ۱۰ سال پیش خود نگاه می‌کنم می‌بینم غلط هم می‌نوشت‌ام اما کسی نخندید و من هم از نوشتن ترسیدم و ادامه دادم. چند سال پیش داستانی در مورد اسرا به زبان عربی نوشته بودم که در فضای مجازی منتشر شد. یک جوان اردنی برای من نامه‌ای نوشت با این مضمون که آنچه نوشته‌اید واقعیت دارد یا فقط قصه است؟ من گفتم این فقط یک قسمت کوچک از واقعیتی است که در جنگ بر جوانان ما گذشته؛ واکنش این جوان برای من جالب بود چراکه در پاسخ نوشت «ما و پدرانمان را به خاطر تمام بدی‌هایی که در حق شما کرده‌ایم ببخشید، اما شما پیروان مکتب اهل‌بیت (ع) هستید و شاید بتوانید ما را ببخشید.» واکنش‌های این چنینی باعث شد تلاش من برای رساندن پیام شهدا به خارج از کشور بیش‌ازپیش شود. همواره این حسرت با من است که کاش به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و تمام زبان‌های زنده دنیا مسلط بودم و برای تمام مردم دنیا می‌نوشتم که ملت ما در هشت سال جنگ ناجوانمردانه چطور با دستانی

شهید داریم که هر شهید خود یک قصه است. نمی‌دانم من به‌تنهایی تا چه زمانی بتوانم در این عرصه گام بردارم و قصه چند شهید را بتوانم بنویسم؛ اما این علم سنگین است و من هیچ‌گاه به افقی که می‌خواهم نمی‌رسم، چراکه نمی‌توانم قصه همه شهدا را بنویسم اما تا جایی که بتوانم تلاش می‌کنم. حتی وقتی احساس کردم در مورد شهدای مدافع حرم کشورهای دیگر نیز نیاز است شروع به نوشتن کردم مانند شهدای مقاومت لبنان. به‌هرحال کارهای زیادی در این بخش روی زمین‌مانده؛ قصه هزاران هزار شهید...

تاکنون در چه جشنواره‌هایی شرکت کرده و برگزیده‌شده‌اید؟

مهرماه سال جاری در یک «جشنواره داستان در لبنان» از میان نویسنده‌های عرب‌زبان برگزیده شدم، دو دوره نیز در «جشنواره داستان خاتم» به‌عنوان برگزیده دست‌یافتم، در «جشنواره خاتم» سال ۹۷ نیز رتبه نخست را به دست آوردم. بارها نیز در «جشنواره یوسف» برگزیده‌شده و دوستان اگر من ترجمه‌های خوب؛ بسامانه بگویید و آغاز کنید، به‌ویژه اینکه اخیراً نیز معظم رهبری (دامت بر کاته) در حوزه دفاع مقدس سخنانش در موضوع ترجمه اشاره کردند؛ مطمئن باشید کار خوب شاید کمی دیر، اما بالاخره یک روز خودش را نشان خواهد داد.

شما به‌جز نویسندگی کار دیگری هم می‌کنید؟

بله؛ کارمند دانشگاه هستم.

به این بخش بپردازیم که به نظر شما



ماجرای می‌خواستم تغییرات این عشایر را طی چند سال اخیر در قالب یک مستند ارائه کنم اما بعد از چند جلسه تصویربرداری ترجیح دادم مستند خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌سالی و کمبود آب در آن منطقه و تشخیص کجوان متمرکز کنم. آشنایی چندساله من با کیسان و توگبری‌ها، قطع نشدن ارتباط بین من و مردم روستای طی این سال‌ها و راحت بودن مردم با دوربین یکی از نکات مثبت این کار است که در آن دیده می‌شود. وی با اشاره به روند تولید این مستند، افزود: تصویربرداری این مستند از تابستان سال ۱۳۹۵ خود را بر روی موضوع خشک‌س